Archive of SID.ir

فصلنامهٔ پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال هجدهم
شمارهٔ سوم، پاییز ۱۴۰۲

کارکرد قواعد فقهی در ابهام‌زدایی از به‌کارگیری زور توسط مأموران مسلح (مورد مطالعه: قانون به‌کارگیری سلاح)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

از صفحهٔ ۱۵۳ تا ۱۸۰

حمیدرضا محمدزاده مهنه[۱]، محمد میرزایی[۲]، علی چهکندی نژاد[۳]

چکیده

زمینه و هدف: امروزه به‌کارگیری زور برای استقرار امنیّت، در ابتدا، حکایت از تعارض میان حقوق فردی و اجتماعی دارد که ناشی از ضعف قوانین از جمله قانون به‌کارگیری سلاح است و برای کنشگران اجرایی مشکلاتی ایجاد کرده است. با توجه به تأثُّر قوانین وضع‌شده از قواعد فقهی، می‌توان در راستای رفع ابهام و شفاف‌سازی به این آموزه‌ها توجه کرد. هدف از تدوین نوشتار حاضر این است که با واکاوی قانون به‌کارگیری سلاح، مبانی و قواعد فقهی دارای قابلیت توجیه استفاده از سلاح برای پلیس، شناسایی و تبیین شود.

روش: روش پژوهش حاضر، تفسیری با رویکرد کیفی است و گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. جامعهٔ آماری را سه گروه شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه امین، روحانیون سطح ۴ شاغل در فراجا و مدیران کل حقوقی فراجا به تعداد ۴۲ نفر تشکیل دادند که با نمونه‌گیری هدفمند، تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل مضمون استفاده شد.

یافته‌ها: ۲۴ مضمون پایه‌ای، در قالب ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده شامل «حفظ حقوق مأمور و توجه همزمان به حقوق افراد و جامعه»، «لزوم تحذیر قبل از به‌کارگیری سلاح»، «لزوم رعایت تناسب در به‌کارگیری تجهیزات»، «عدم به‌کارگیری سلاح در مواقع غیر ضروری»، «لزوم صلاحیت مأمور»، «فقدان وحدت روش در تفاسیر قانونی»، «قاعدهٔ دفع افسد به فاسد و اهمّ فی الاهم و اضطرار و اکراه»، «احتیاط در دماء نسبت به افراد بی گناه»، «قاعدهٔ دفاع مشروع»، «قاعدهٔ اقدام»، «احتیاط در دماء نسبت به شهروندان» و ۲ مضمون فراگیر «ضرورت» و «عدالت» در قالب قواعد فقهی سازمان دهی شد.

نتیجه‌گیری: از بین قواعد فقهی متعددی که در دین مبین اسلام وجود دارد، قواعد باب ضرورت و عدالت مهم‌ترین جایگاه را در نصّ قانون به‌کارگیری سلاح داشته است؛ بنابراین مأموران پلیس ضمن تسلط کامل به موازین قانون به‌کارگیری سلاح، همواره مفاد و مبانی قواعد فقهی یادشده را باید مدّ نظر قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: به‌کارگیری زور، به‌کارگیری سلاح، پلیس، قاعدهٔ فقهی عدالت، قاعدهٔ فقهی ضرورت.

استناد: محمدزاده مهنه، حمیدرضا، میرزایی، محمد، و چهکندی نژاد، علی (پاییز ۱۴۰۲). کارکرد قواعد فقهی در ابهام‌زدایی از به‌کارگیری زور توسط مأموران مسلح (مورد مطالعه: قانون به‌کارگیری سلاح). *فصلنامهٔ پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۸(۷۱)، ۱۵۳-۱۸۰. DOR:

۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران، clyhmm@gmail.com

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)، md92.mirzaei@gmail.com

۳- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران، chahkandi@iaubir.ac.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

نظم و امنیّت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شروط زندگی سالم، در پیشرفت و توسعه جامعه، نقشی انکارناپذیر دارد و مهم‌ترین رسالت تشکیل حکومت‌ها، به‌ویژه در جوامع اسلامی، تأمین و حفظ امنیّت جامعه است. مأموران پلیس، در اجرای تمامی مأموریت‌هایشان، باید کرامت انسان‌ها را در حدود قانون و به دور از اعمال رفتارهای سلیقه‌ای حفظ و پاسداری کنند. استفادهٔ پلیس از سلاح در بدو امر، تداعی‌کننده تحدید حقوق افراد و جامعه و از منظر فقهی نیز مخالف اصولی مانند اصل احتیاط در دماء، اصل برائت و اصل لزوم حفظ کرامت انسان است؛ با این اوصاف، برای حلّ تزاحم بین مصالح فردی و مصالح جمعی کشورهای مختلف در ضابطه‌مندکردنِ استفاده مأموران از زور، کوشیده‌اند (میرزایی، ۱۳۹۷، ص۱۱۸). قانونگذار ایران نیز در سال ۱۳۷۳، قانون به‌کارگیری سلاح را تصویب و تیراندازی پلیس را فقط در موارد ضروری، مجاز نمود؛ درعین‌حال، شفاف‌نبودن قانون یادشده، به تفاسیر مختلف، صدور آرای متفاوت و محکومیت‌های متعدد مأموران استفاده‌کننده از سلاح و درنتیجه کاهش اعتماد و سرمایهٔ اجتماعی پلیس منجر شده است (افراسیابی، ۱۳۹۴، ص۱۲). همین نکته، مهم‌ترین دلیل برای انجام این کار پژوهشی است؛ لذا می‌طلبد مأموران مسلح، در جامعه اسلامی با دانستن و پایبندی به قواعد یادشده که متضمّن حفظ حقوق مشروع افراد جامعه است، در برخورد قاطعانه با مصادیق یادشده در قانون و با اطمینان و اعتماد به نفسِ کامل درخصوص حمایت قانونی و قضایی از آنان، وظایف خود را به انجام برسانند.

یکی از اهرم‌های ارتقای امنیّت، اقدامات مبتنی بر قانون ضابطان دادگستری، در برخورد با عوامل خاطی جامعه است، لیکن برخی مواقع، پلیس برای تأمین نظم و استقرار امنیّت، از توسل به رویکردهای اقتدارگرایانه و مبتنی بر قدرت مشروع و قانونی ناگزیر است (فروغی و میرزایی، ۱۳۹۶، ص۱۴). سلاح، حساس‌ترین ابزار انجام این وظیفهٔ خطیر و مصداقی از به‌کارگیری زور است؛ توجه به این نکته ضروری است که فلسفهٔ ذاتی به‌کارگیری سلاح ازسوی مأموران، فقط استقرار نظم و امنیّت، توقیف، دستگیری و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم است، نه سلب حیات متهمان و مجرمان یا ورود سایر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خسارت‌های مادی و معنوی به آنان و مردم بی‌گناه، چراکه حیثیت، جان، مال و آبروی اشخاص از تعرّض مصون است، مگر به اذن قانون. استفاده از زور (سلاح) از سوی ضابطان قضایی، در زمان روبه‌رو شدن با اخلال‌گران، چنانچه براساس قانون در راستای حفظ امنیّت و حقوق شهروندان و بر اساس اصول مدوّن باشد، مسلماً ضامن سلامت و آرامش جامعه خواهد بود؛ لیکن درصورتی‌که مأموران مسلح در به‌کارگیری سلاح، شرایط ماهوی و شکلی لازم را رعایت نکنند و موجب صدمه به افراد بی‌گناه شوند، ضمن تحمل خسارت‌های عدیده مالی، روحی، روانی و خانوادگی برای خود، نهاد انتظامی کشور، دولت و به‌طورکلی جامعه، این مسئله، تأثیرات منفی بسیاری در میزان احساس امنیّت مردم خواهد گذاشت.

مسئله حائز اهمیت، این است که تنوّع فراوان مأموریت‌های پلیس برای برقراری نظم و امنیّت اجتماعی، آنان را در شرایط اضطراری قرار می‌دهد که این موضوع نیز به نوعی در صحنه عمل و اجرا، باعث ایجاد ابهامات متعدد برای استفاده از سلاح ازسوی پلیس شده است؛ لذا در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال بودیم که قانون‌گذار کشورمان در مقرّرات به‌کارگیری سلاح، کدام‌یک از اصول و قواعد فقهی اسلام را جهت رفع تعارض و تزاحم بین حقوق اشخاص و امنیّت جامعه، مدّ نظر قرار داده است؟ به عبارت بهتر با توجه به ابهام و اجمال موجود در قانون به‌کارگیری سلاح و مجوز موجود در راستای استفاده از متون فقهی، در عرصه اجرا مبتنی بر کدام یک از قواعد فقهی، امکان کاهش معضلات موجود در اجرای قانون به‌کارگیری سلاح وجود دارد؟

درخصوص مقاله پیش رو، پژوهش‌هایی انجام شده که برای غنی‌ترشدن تحقیق، مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. به تعدادی از این پژوهش‌ها و دستاردهای مربوط، به‌طور اجمالی اشاره می‌شود.

میرزایی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه و نقش ضرورت در تزاحم‌زدایی سیاست‌های اجرایی پلیس» به این نتیجه دست یافته است که نهاد «ضرورت» در عدالت کیفری به‌عنوان عامل مهم رفع تزاحم و حلقه مفقود و مغفول در ایجاد تقریب میان سیاست

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جنایی اجرایی و سیاست جنایی تقنینی تعبیر کرد که کاربردهای فراوانی برای خروج از تنگناهای موجود برای کنشگران اجرایی از جمله پلیس خواهد داشت.

فاضلی و کریمی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل و بررسی مواد ۳ و ۶ قانون به‌کارگیری سلاح و ابهامات ناشی از آن» ضمن نقد و بررسی این مواد از قانون موصوف، به وقوع اختلاف نظر در تفسیر قانون علیه مأموران تیرانداز، به‌ویژه کارکنان ناجا، به دلیل گوناگونی و وفور مأموریت‌های آنان پرداخته و با بیان کاستی‌ها و محاسن این قانون، پیشنهادهایی ارائه کرده است. همچنین، محمدی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل و ارزیابی جنبه قانونی تیراندازی‌های پلیس» بیان کرده که با توجه به متفاوت‌بودن شرایط جغرافیایی، جوّی و متنوع بودن وسایط نقلیهٔ زمینی، دریایی، هوایی و از سوی دیگر عدم امکان تفسیر موسع قانون از سوی قضات مربوط، مفاد قانون به‌کارگیری سلاح مصوّب ۱۳۷۳ جامع و کامل نیست و ایرادات زیادی متوجه این قانون است. فروغی و همکاران (۱۳۹۷)، نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «کرامت‌مداری، رهنمود تعادل‌بخش میان امنیّت و آزادی، در گفتمان سیاست جنایی» با بررسی این دو مفهوم بنیادین و تأثیرگذار بر نوع و مدل سیاست جنایی، با توجه به ظرفیت‌های فراوان عنصر «کرامت انسانی» و «عدالت» از جمله مورد وفاق، فطری، جامع و قابل فهم بودن، خوانشی کرامت‌مند و عادلانه از سیاست جنایی را ارائه می‌دهد که درواقع، غایت کاربردی دو مفهوم یادشده و رهنمود رفع تزاحم و ایجاد تعادل تلقی می‌شود. همچنین، مستعلی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با نام «بررسی مسئولیت مدنی پلیس در تیراندازی» بیان کرده که پلیس گاهی ممکن است در انجام وظایف محوّل، موجبات وقوع حوادث زیان‌بار و ایراد خسارت به اشخاص حقیقی و حقوقی را فراهم آورد و درنتیجه سبب تحقق مسئولیت کیفری یا مدنی شود که باید خسارت و زیان وارده اعم از مادی و معنوی جبران شود. نادهی (۱۳۹۴)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های قانون به‌کارگیری سلاح با نگاهی به رویهٔ قضایی» به این نتیجه دست یافت که یکی از مهم‌ترین تخلفات و جرائمی که اهداف نیروهای مسلح و حقوق شهروندی افراد جامعه را تهدید می‌کند، تیراندازی غیرقانونی مأموران است. سپس با بررسی پرونده‌های مرتبط

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و تدقیق در رویهٔ قضایی و تحلیل مواد قانون، به موضوع کرامت انسان و حقوق شهروندی نیز پرداخته است که از این جهت با پژوهش ما همسو است.

کیسی و کانلی [1] (۲۰۱۹)، در کتابی با نام «استفاده از زور توسط پلیس در حقوق بین الملل» به بررسی استفاده از زور توسط پلیس در حقوق بین الملل پرداخته و اصل را بر عدم جواز استفادهٔ مأموران از زور در اجرای قانون دانسته‌اند، ولیکن در موارد ضروری و با رعایت اصل تناسب برای تأمین منافع عمومی این امکان را محتمل شمرده‌اند. همچنین، وایسبورد[2]، جرومی و پاتریک (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های اعمال پلیسی گری جامعه‌مدار» به بررسی مشکلات ناشی از انجام وظایف پلیسی و درواقع سیاست جنایی اجرایی پلیس پرداخته و اجرای سیاست‌های قانونی مصوب را برای خروج از مشکلات سیاست جنایی اجرایی پلیسی پیشنهاد می‌دهد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشتر تحقیقات انجام‌شده، به‌صورت کلّی به موضوع پرداخته و این نکته که با استفاده از ظرفیت قواعد فقهی اسلام، می‌توان در رفع تزاحم میان حقوق افراد و امنیّت جامعه اقدام کرد، مغفول مانده است؛ لذا این مقاله از این جهت که به مطالعهٔ فقهی قانون به‌کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ پرداخته، بدیع محسوب می‌شود و فاقد پیشینه‌ای چشمگیراست.

خشونت (زور): خشونت به‌معنای تندی، شدّت، سخت‌گیری، ضدّ نرمی و لطافت معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳) و در علوم اجتماعی به رفتاری اطلاق می‌شود که هدف آن صدمه زدن به خود و دیگران است. در قوانین، اعم از قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی و اسناد بین المللی، خشونت، مذموم، غیرقانونی و خلاف حقوق شهروندی تلقی می‌شود و مرتکبان طبق مقررات و قوانین، مستحق تعقیب و مجازات هستند (اسدی و کاکویی، ۱۳۹۷، ۱۱). رفتارهای خشونت‌آمیز را می‌توان در گستره وسیعی از حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حقوق، مورد تحقیق و مطالعه قرار داد. خشونت دارای انواع متعددی ازجمله خشونت شخصی (رفتاری) و خشونت ساختاری، خشونت قانونی و

. 1 Casey and Connolly

.2 Weisburd

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خشونت غیرقانونی، خشونت مشروع و خشونت غیر مشروع، خشونت مجرمانه (انضباطی) و خشونت غیر مجرمانه و خشونت فیزیکی و فرافیزیکی است. اصول ۲۲، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی و مواد ۵۷۸ و ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی و همچنین مواد ۲۹ و ۳۲ قانون مجازات نیروهای مسلح، هرگونه اهانت، آزار و اذیت بدنی، شکنجه را برای گرفتن اقرار ممنوع می‌داند و مرتکبان چنین رفتاری را مجرم و مستحق مجازات به شمار می‌آورد.

به‌کارگیری سلاح: به‌کارگیری در لغت، به معنی «به کار گرفتن، به کاری گماشتن و به کاری وادار کردن» است. در اصطلاح انتظامی نیز به‌کارگیری به معنی به‌کاربردن، استفاده‌کردن و استعمال‌کردن است. منظور از به‌کارگیری سلاح در عملیات انتظامی، هر نوع استفاده مجاز از سلاح به منظور انجام وظیفه است (محمدنسل، ۱۳۸۹: ۱۱). برخی کشورها، متناسب با ارزش‌ها و شرایط خاص اجتماعی خود، به یکی از رویکردهای تجهیز یا عدم تجهیز نیروهای پلیس به سلاح گرم گرایش دارند؛ به‌عنوان نمونه در قوانین انگلستان، که از مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تبعیت می‌نماید؛ حق حیات مندرج در ماده ۲ این کنوانسیون ایجاب می‌کند که تیراندازی‌های پلیس تابع شرایط خاص باشد. در تفسیر این ماده، بیان شده که استفاده پلیس از زور در صورتی مجاز است که بین هدف و میزان زور استفاده‌شده تناسب مطلق وجود داشته باشد. اهدافی که برای حصول آنها می‌توان از زور استفاده کرد، سه دسته‌اند: ۱. دفاع از فردی که آماج خشونت غیرمجاز قرار گرفته است؛ ۲. دستگیری قانونی یا پیشگیری از فرار فردی که قانوناً بازداشت شده است؛ ۳. در جریان اقدامات قانونی برای فرونشاندن آشوب یا شورش (افراسیابی، ۱۳۹۴، ص۲۲).

هدف اصلی تیراندازی‌های پلیس، پیشگیری از خطر فوری به حیات با متوقف‌سازی سوژه از ادامهٔ اقدامات یا تهدیدات مورد نظر خود است. قبل از تیراندازی، افسر مسلح باید «در مواردی که تیراندازی ضرورت دارد، مسلح بودن خود را اعلام و دستورهایی واضح به سوژه صادرکند و فرصت کافی برای اجرای دستور در اختیار فرد قرار دهد. مگر اینکه طی این فرایند با شرایط واقعه متناسب نباشد و موجبات خطر جانی یا جسمی به دیگری را در پی داشته باشد. امروزه با توجه به ظهور و پیدایش اشکال نوین بزهکاری و همچنین

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ایرادات، ابهامات و نواقصی که در قانون فوق وجود دارد، هرکدام از مراجع قضایی درک و برداشت متفاوتی از این قانون دارند و رویهٔ قضایی با توجه به واقعیات عینی ملموس و محسوس جامعه و با توجه به ابهامات موجود در این قانون، دید حمایتی نسبت به مأموران دارند (نجفی توانا و حسینی، ۱۳۹۳، ص۴۵). کارکنان پلیس علاوه بر مسائل ذاتی و مشکلات خاص مشاغل نظامی و امنیّتی، به جهت ارتباط دائم با افراد جامعه، به‌خصوص گروه مجرمان و افراد خطرناک، همواره در معرض آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از عوامل بیرونی نیز قرار دارند.

قواعد فقه: در خصوص تعریف قواعد فقهی بین فقها اختلاف نظر وجود دارد، لیکن در یک تعریف مختصر و جامع «قاعده فقهی آن حکم کلی شرعی است که موارد و مصادیقی دارد و بر آنها منطبق است» (چهکندی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص۲۶). قواعد کلی که منشاء استنباط قوانین محدودتر بوده و اختصاص به یک مورد خاص ندارد، بلکه مبنای قوانین مختلف و موضوعات متعدد قرار می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص۱۳۷).

– **قاعدهٔ ضرورت:** نظریهٔ ضرورت یا اضطرار مفاد یک نظریهٔ اصطیادی و عقلانی است که حقوق‌دانان مسلمان و غیر مسلمان با تکیه بر جهاتی همچون اجبار معنوی، نفع اجتماعی، عدم سوءنیّت، لزوم همبستگی و تعاون اجتماعی و بالاخره تعارض منافع به آن استناد جسته‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۸: ۱۳۷). بر اساس قاعدهٔ ضرورت «الضرورات تبیح المحظورات»، و قاعدهٔ «الضرورات تتقدر بقدرها» اصل در اسلام و احکام مورد نظر آن، جریان و حاکمیت احکام اولیه است و تا جایی که شرایطی حادث نشود که مقتضای تغییر حکم باشد، همان احکام جاری بوده و نوبت به جریان احکام ثانویه نمی‌رسد (عزتی و سایبانی و ساقیان، ۱۳۹۸، ص۱۶). برای مثال اصل اولی در موازین اسلامی، آزادی افراد بوده و این حق بدواً قابل تعلیق، تحدید یا تضییق نیست و البته تا جایی این آزادی حمایت می‌شود که موجب ضرر به دیگری نگردد، ولی مواردی اتفاق می‌افتد که عدالت، اقتضای عدول از این اصول را دارد و آن جایی است که کنشگران دستگاه عدالت کیفری از جمله پلیس و ضابطان قضایی بنا بر مصالحی مهم‌تر از حقوق شخصی فرد، مثلاً حفظ حیات جمعی یا تأمین منافع امنیّتی جامعه دست به سلب آزادی افراد می‌زنند. مثال دیگر اینکه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اگر نجات جان انسانی، (به هر دلیل مانند حریق یا گروگانگیری یا نزاع شدید میان زن و شوهر یا فرزندان که یقین درباره وقوع صدمات جانی در آن وجود دارد و بسیاری مصادیق دیگر) متوقف بر ورود به ملک کسی دیگر یا منوط به تخریب مال دیگری باشد، ممنوعیت اولیه که ناشی از سیاست تقنینی است برای کنشگران اجرایی مانند پلیس که به‌عنوان پیشگامان اولیه در صحنه حاضر می‌شوند بنا به قاعدهٔ ضرورت که دارای پشتوانه عقلی منطقی و شرعی است تبدیل به جواز و وجوب مداخله و ورود خواهد شد (میرزایی، ۱۴۰۱، ص۱۵).

فقها با توجه به مبنای این قاعده و حدیث شریف «رفع» قاعدهٔ ضرورت را قاعده‌ای امتنانی محسوب نموده و آن را از باب تخفیف، تسهیل، توسیع و رخصت تفسیر نموده‌اند. در مورد آثار ناشی از قاعده، باید اذعان نمود که از لحاظ تکلیفی حدوث ضرورت باعث رفع احکام تکلیفی شده و بر مکلّف با انجام عمل اضطراری مسئولیتی از باب تعزیر و کیفر تحمیل نخواهد شد (محقق داماد، ۱۳۹۸، ص۱۳۸). از لحاظ وضعی نیز با توجه به فلسفهٔ وجودی قاعده یعنی همان امتنانی بودن آن، فقها با تکیه بر امتنانی بودن حدیث رفع، شمول آن را به احکام وضعی، به جهت اینکه موجب مضیقه و مشقّت امّت می‌شود و این امر با امتنان منافات دارد، جاری ندانسته‌اند. به همین دلیل، مضطر را از حیث آثار وضعی مسئول دانسته، او را عهده‌دار جبران خسارات و ضرر و زیان ناشی از فعل اضطراری قلمداد کرده‌اند. در این میان، برخی از فقها در مواردی به اطلاق حدیث رفع استناد کرده‌اند؛ اما با اندکی دقت ملاحظه می‌شود که اطلاق حدیث، مقیّد به مواردی است که در جهت امتنان بر امّت باشد. سیدمحمد کاظم یزدی در این باره می‌فرماید: «در اینکه اکراه و اضطرار، هر دو در رفع حکم تکلیفی مشترک‌اند اشکالی نیست؛ بنابراین شرب خمر مکره و مضطر- فی المثل- حرام نیستند؛ اما به نسبت حکم وضعی متفاوت‌اند. اکراه، برخلاف اضطرار، حکم وضعی را رفع می‌کند؛ بنابراین حکم وضعی در اثر اضطرار مرتفع نمی‌شود؛ زیرا برخلاف امتنان و توسیع بوده، بلکه موجب تضییق و مشقّت می‌شود.». آیت اللّه خویی در این زمینه می‌فرماید: «رفع این عناوین، منّتی بر امّت است؛ بنابراین ضمان و مسئولیت مالی حاصل از فعل اضطراری به سبب حدیث رفع مرتفع نمی‌شود؛ زیرا رفع ضمان اتلاف،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مخالف با امتنان نسبت به مالک است؛ گرچه در آن منّتی برای تلف‌کننده وجود دارد».

به‌طورخلاصه می‌توان گفت: به استناد حدیث رفع، احکام تکلیفی و وضعی مرتفع می‌شود؛ اما در هر مورد که رفع حکم موجب تضییق و مشقّت مسلمانان شود، به واسطهٔ امتنانی بودن حدیث رفع، آن حکم مرتفع نخواهد شد. از جمله، در اضطرار چون رفع حکم وضعی موجب مشقّت و سختی بر امّت می‌شود، حکم مرتفع نمی‌شود (میرزایی، ۱۴۰۱: ۱۲). حدود و ثغور قاعدهٔ فوق، با ضابطه «الضرورات تتقدر بقدرها» (کاشف الغطا، ۱۴۲۲، ص۲۵) معیّن گردیده است. این قاعده که یک قاعدهٔ عقلی است و مفاد آن این است که تنها تا رفع حالت ضرورت و به تناسب خطر و تهدید موجود، انجام فعل اضطراری جایز است. مطابق این قاعده، برای رفع حالت ضرورت، نباید از حد و عقلی و عرفی که منطبق با عدالت است عدول نمود، بلکه باید به اندازه مشخص و متیقّن عمل نمود که در واقع مقدارش را عدالت معلوم می‌کند، لذا نباید از مقداری که رفع نیاز می‌کند، تعدّی کرد. به بیان دیگر بنا به تعریف عدالت که درواقع وضع شیء در موضع خود است و ضرورت در ظاهر عدول از اصل و خروج از موضع به نظر می‌رسد، ولیکن درواقع عمل برخلاف اصل ظاهری مطابق با مقتضیات عدالت است (محقق داماد، ۱۳۹۸، ص۱۴۴).

برخی از محققان نوشته‌اند که «انما تتقدر بقدرها کمّاً و کیفاً و زماناً و مکاناً و وجوداً و عدماً» و لذا هرچند اسلام، برای رفع ضرورتی (مانند حفظ جان)، محدودیت را بر حقوق و آزادی‌های دیگری (مانند حق تصرف مالکانه بر ملک خویش) پذیرفته است، ولی این اذن تابع شرایطی بوده و نباید به صورت مطلق و بدون ضابطه استفاده شود و این عدم اطلاق مطابق با واقع و عدالت است؛ بنابراین نهایت اقدام اضطراری نهایت ضرورت است و با رفع ضرورت، جواز اقدام هم مرتفع خواهد شد و قاعدهٔ «الضرورات تتقدر بقدرها» حاکم می‌شود. به بیان دیگر اقدام مضطر باید به قدر حاجت و متناسب با شرایط و اوضاع و احوال اضطراری و با رعایت قاعده الأسهل فالأسهل صورت گیرد؛ زیرا گاه با یک اقدام مباح می‌توان از خود رفع خطر کرد و گاه دفع خطر مستلزم ارتکاب فعلی است که در شرایط عادی نامشروع است. در ارتکاب فعل محرم هم رعایت مقدار مورد لزوم مدّنظر است. می‌توان در تفسیر میزان وجود و استمرار ضرورت به دو قاعدهٔ «ما جاز لعذر بطل

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بزواله» و «اذا زال المانع عاد الممنوع» استناد نمود؛ مثلاً: در پاسخ به این سؤال که شخص مضطر چه مقدار از اشیای محرمه را می‌تواند تناول کند؟ می‌توان بیان داشت که بنا بر نظر فقهای امامیه و جمهور فقهای اهل سنت به میزان سدّ رمق و دفع حاجت و حفظ حیات اجازه داده، تجاوز از مقدار ضرورت و حاجت را مشمول بغی و عدوان دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۸، ص۱۴۴). و بر این اساس نیز بیشتر فقها، درصورت استمرار حالت اضطرار، تزوّد (توشه بر گرفتن از حرام) را جایز دانسته‌اند؛ مشروط بر اینکه شخص تا عروض مجدد حالت ضرورت بر وی، از خوردن یا نوشیدن آن امتناع کند. از فقهای امامیه، صاحب جواهر الکلام جواز تزوّد را قول اقرب دانسته است.

– **قاعدهٔ عدالت:** عدل عبارت است از قراردادن هر چیز در جای مناسب خویش. عدالت در لغت به معانی میانه‌روی در امور، عادلانه عمل‌کردن، منصفانه رفتارکردن، مساوات، خلاف ظلم و جور، متعادل‌کردن، اصلاح‌کردن، تعدیل‌کردن، تبدیل‌کردن، تقسیم‌کردن چیزی به اعتبار ارزش و منفعت نه مقدار و اندازه، حد وسط میان افراط و تفریط آمده است (معین، ۱۳۷۳، ص۱۱۲۵). عدالت از ضروریات حیات اجتماعی انسان بوده و در سیر تاریخ تفکر و اندیشه، همواره سهم قابل توجهی از مسائل را به خود اختصاص داده است. مفهومی که جزو اصول کانونی اسلام و دارای جایگاه ویژه‌ای در اندیشه سیاسی و حقوقی اسلام است؛ چراکه عدالت در منابع و متون اسلامی از اهمیتی شایان برخوردار است و همواره کانون توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. بسیاری از عقاید اسلامی در ذیل بحث عدل الهی قرار می‌گیرند تاآنجاکه آموزه‌های اعتقادی، حتی آموزه‌هایی چون نبوّت، امامت، معاد و آموزه‌های عملی و اخلاقی دین، بدون قبول اصل عدل، قابل پذیرش نخواهند بود؛ لذا ذکر این نکته ضروری است که مفهوم عدالت زمانی مطرح می‌شود که موجوداتی دارای علم و اختیار در تعامل با یکدیگر قرار گیرند، چه این تعامل مثبت باشد یا منفی، عدالت و نکته مقابل آن ظلم و جور، دوگونه تعامل مثبت و منفی است‌که میان انسان‌ها وجود دارد.

شهید مطهری در اهمیت و نقش عدالت در سلامت جامعه چنین بیان می‌کند: «ممکن نیست جامعه‌ای بدون اینکه بر محور عدالت بچرخد و حقوق مردم درآن جامعه محفوظ باشد،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

باقی بماند». در این باب، نکتهٔ حائز اهمیت دیگر، این است که با استفاده از فطرت عدالت‌خواه انسان همراه با استفاده از نیروهای حافظ نظم در هر جامعه، می‌توان به دنبال ایجاد و استقرار نظم عمومی بود. نظمی که برآیند فرایند عدالت‌خواهی باشد، امنیّت اجتماعی را به ارمغان آورده و به دلیل احترام قلبی و فطری مردم به اجرای عدالت، پایدار و فراگیر است؛ چراکه مردم در شرایط یاد شده، نه‌تنها خود درصدد ایجاد و رعایت نظم عمومی برمی‌آیند، بلکه از آن نیز محافظت می‌کنند و با گردانندگان جامعه در استقرار و بقای آن، همکاری داوطلبانه خواهند داشت. چنین نظمی هم دستاورد اجرای عدالت است و هم به اجرای بیشتر عدالت کمک می‌کند (ایوبی یزدی و منصوری و رحمت، ۱۴۰۰، ص۱۸). لذا هرچه به اجرای عدالت، بیشتر توجه شود، جامعه منظم‌تر و در نتیجه امن‌تر خواهد بود.

روش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی با رویکرد کیفی است. مشارکت کنندگان پژوهش، شامل ۴۲ نفر از استادان دانشگاه، روحانیون سطح ۴ حوزه و مدیران کل حقوقی و امور مجلس فراجا بودند که با مباحث حقوقی، فقهی و بین‌المللی به‌کارگیری سلاح در پلیس، آشنا بودند. گردآوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش بررسی اسناد و مدارک علمی مرتبط، شامل کتب، رساله‌ها، پایان نامه‌ها و مقالات و مصاحبه نیمه ساختاریافته با جامعه نخبگانی بوده است. روش نمونه‌گیری، گلوله برفی، با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته، برای کدگذاری اولیه بودند. کار جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون انجام شد. کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. برای بررسی اطمینان‌پذیری از نتایج، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تحت نظارت چندتن از استادان انجام گرفت و درنهایت، برای ارزیابی تاییدپذیری نتایج، یافته‌های پژوهش در اختیار استادان مذکور قرار گرفت و به تأیید نهایی رسید. پس از شناسایی قواعد فقهی، در مرحله بعد، اولویت‌بندی قواعد یاد شده از منظر خبرگان، به روش پنل خبرگی انجام شد. بررسی روایی داده‌های پژوهش، با

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

استفاده از شاخص‌های سه‌گانه «انتقال‌پذیری»، «قابلیت اطمینان» و «تأییدپذیری»، انجام شد. برای بررسی پایایی پژوهش نیز، از شاخص توافق درون موضوعی در کدگذاری دو مصاحبه نمونه استفاده شد.

یافته‌ها

توصیف ویژگی مصاحبه شوندگان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ویژگی مصاحبه شوندگان

ردیف	جامعهٔ هدف (مشارکت کننده‌ها)	تعداد	نمونه	روش نمونه‌گیری
۱	اعضای هیات عملی دانشگاه امین	۲۳	۸	گلوله برفی
۲	روحانیون سطح ۴ حوزه شاغل در فراجا	۱۱	۴	گلوله برفی
۳	مدیران کل اداره حقوقی و امور مجلس و دولت فراجا	۸	۴	گلوله برفی
۴	جمع کل	۴۲	۱۶	

در این پژوهش بر اساس اطلاعات مستخرج از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با جامعه نخبگان انتخاب شده، ضمن شناسایی خلاءها و معضلات مقررات به‌کارگیری سلاح ازسوی پلیس، قواعد فقهی مدّنظر مقنّن ایران که به نوعی نقش راهبردی در ایجاد توازن بین مصالح فردی و امنیّت جامعه ایفا می‌نمایند، مورد پرسش و استنباط قرار گرفت. سؤال پژوهش به این شرح بود؛ با توجه به وجود معضلات و خلاءهایی در قانون به‌کارگیری سلاح که ممکن است باعث ایجاد تزاحم بین مصالح فردی و امنیّت جامعه شوند، به نظر شما مبتنی بر کدام‌یک از قواعد فقهی اسلام، می‌توان این معضل‌ها را رفع کرد؟

کدگذاری باز: در این مرحله، داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان، با روش تحلیل مضمون، شناسایی، دسته‌بندی و ارائه شد. نتایج حاصل در جدول ۲ (کدگذاری باز) ارائه شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جدول ۲: کدگذاری باز

کدهای باز	محتوا	مصاحبه شونده
عدم حمایت منعطف نظام تقنینی از پلیس	جبران خسارات ناشی از اضطرار پلیس را نباید به وی تحمیل کرد، چراکه پلیس در انجام مأموریت‌های محول‌شده هیچ نفع شخصی ندارد و دستورهای سازمان خود را به منظور حفظ جان و مال مردم و امنیت و جامعه اجرا می‌نماید.	۱ ۳ ۶
لزوم تسلط پلیس به قانون برای حفظ کرامت انسان‌ها	گاهی مأموران در تشخیص مصداق به‌کارگیری سلاح اشتباه می‌کنند یا اینکه متناسب نبودن ضوابط به‌کارگیری سلاح با نوع جرم، معضل ایجاد می‌کند.	۲ ۹
اعتماد نداشتن نظام قضایی به پلیس باعث عدم به‌کارگیری سلاح در مواقع لزوم شده	برای دفاع از امنیّت جامعه پلیس می‌تواند با رعایت قانون، از اسلحه استفاده کند، لیکن گاهی موظف است دست به سلاح ببرد. متاسفانه نظام قضایی، چنان نسبت به اقدامات پلیس سخت‌گیری می‌نماید که در این موارد هم جرئت به‌کارگیری سلاح را ندارد.	۳ ۵ ۸
موضوعیت نداشتن سوءنیت در کاربرد سلاح توسط پلیس	شخصی باید مجازات شود که در انجام جرم، سوءنیت داشته باشد. شخص مکره نسبت به عملی که به آن اکراه شده، اختیار و درنتیجه سوءنیّتی ندارد، لذا با استفاده از قاعده اکراه می‌توان پلیس را تبرئه نمود.	۴
تردید پلیس بخاطر مبری نبودن از مسئولیت کیفری و مدنی	ممکن است پلیس، گروگان گرفته شود و تهدیدکننده با نشانه‌روی اسلحه گرم، پلیس را وادار به عملی نماید که نتیجه آن ورود خسارت است. این تهدید گاهی چنان است که به طور کلی، پلیس را فاقد اراده می‌سازد.	۵ ۱۱
لزوم توجه کافی به آسیب نرساندن به افراد	اگر قانونگذار به‌خاطر تیراندازی مأموران، در برابر افرادی که با دست خودشان، خود را به مهلکه انداخته‌اند، دست به سلاح شده، آنها را مجازات نماید؛ این یک حکم ضرری و بر خلاف قاعده لاضرر است.	۶ ۱۶ ۱۵ ۱۱

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

لزوم اصلاح قانون در جهت حفظ کرامت انسان و امنیّت جامعه	یکی از معضلات مهم قانون به‌کارگیری سلاح که باعث دلسردی مأموران در به‌کارگیری سلاح شده: شفاف نبودن شرایط به‌کارگیری سلاح است که نتیجه تعجیل و عدم استفاده از نظرات کارشناسان در تصویب آن است به طوری که قانون را تقریباً ناکارآمد کرده است.	۷ ۸ ۱۰ ۵ ۶ ۴
فرد مهاجم در حقیقت علیه خود اقدام می‌نماید	بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ و ۹ ماده ۳ قانون، مصادیقی است که اگر مأمور در این شرایط قرار بگیرد و اقدام به تیراندازی کند به استناد قاعده اقدام، مرتکب جرم نشده است و مسئول جبران خسارت نخواهد بود؛ به این علت که فرد مهاجم یا متجاوز مرزی یا بمب‌گذار یا فراری از زندان و...، به نوعی علیه خودش اقدام کرده است.	۸ ۳
عدم احراز شرایط مأموران مسلح مطابق ماده ۲ قانون	یکی از مشکلات مهم پلیس، عدم آموزش کاربردی و مهارتی به‌کارگیری سلاح مطابق با مسائل حقوقی مرتبط است. این در حالی است که حتی آموزش‌های تخصصی مربوط به ضابطان دادگستری که مطابق آئین دادرسی کیفری بر عهده دادستان‌ها است به طور منسجم و هدفمند انجام نشده است.	۹ ۱۰
تفسیر نامناسب مواد قانونی توسط مقامات قضایی و تشتت آرا	با بررسی تحلیلی و مطالعه برخی از آرای محاکم قضایی می‌بینیم که مقامات قضایی، در شخص به‌کارگیرنده سلاح و اینکه مرتکب مأمور (پلیس) است یا شخص عادی، تفاوتی قائل نیستند و حکم قصاص علیه مأموران که مطابق قانون به‌کارگیری سلاح مجاز به استفاده از اسلحه بوده‌اند صادر نموده‌اند.	۱۰ ۵ ۲ ۳
عدم پذیرش قاعده تقصیر مشترک در نظام حقوقی ایران	در حقوق ایران بر اساس نقش زیان‌دیده اعم از مباشر، سبب یا در حالت اجتماع سبب و مباشر، هر یک از طرفین که فعل زیان‌بار به او استناد دارد، ضامن بوده و اگر میزان تأثیر اقدام، یکسان باشد طرفین به صورت مساوی و	۱۱ ۱۶ ۱۵ ۱۴

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

	درصورت تفاوت در رفتار، مأمور و زیان‌دیده بر اساس میزان تأثیر مسئولیت دارند.	
همراه داشتن سلاح توسط پلیس در بیشتر مأموریت‌ها	با توجه به اینکه مخاطبان اقدامات پلیسی، شهروندان جامعه و دارای حقوق و آزادی‌های شهروندی هستند؛ توازن در مصالح فردی و امنیّت جامعه، مستلزم انجام بیشتر مأموریت‌های پلیسی، بدون حمل سلاح گرم است. تا بدین طریق احتمال تقصیر و پلیس و به طور کلی وقوع تیراندازی‌های خسارت‌آمیز کاهش یابد.	۱۲ ۸ ۷ ۵
قاعدهٔ اقدام و دفاع مشروع	دفاع مشروع و شرایط آن در قانون مجازات اسلامی در به‌کارگیری سلاح اهمیت دارد	۱۳ ٤
قاعدهٔ حفظ دماء و قاعده استثناپذیر نبودن کرامت انسان	کرامت در ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری و قانون حقوق شهروندی متن قاعده کرامت مبتنی بر آیه «**وقد کرّمنا بنی آدم**» (کل انسان کریم الا خرج بالدلیل)	۱٤ ۳ ٤
عدم جامعیت و شفافیت قانون	بهترین مقررات درباره استفاده از سلاح برای مأموران این است که استفاده کشنده از سلاح را ممنوع کند و فقط در موارد استثنایی که شخص پلیس مورد حمله قرار می‌گیرد یا بیم خطرات جانی برای پلیس یا شهروندان وجود دارد استفاده از آن مجاز باشد.	۱۵ ۱۱ ۱۲ ۱٦
قاعدهٔ اضطرار	در آموزه‌های دینی موضوع اضطرار در ذیل موضوع «تزاحم در اجرای حکم برای مکلف» را فقها مورد بررسی قرار داده‌اند. فرد مسلمان هر جا امر را بین حفظ اراده و خواست رسول خدا و خودش دائر دید، باید رسول خدا را مقدم بدارد و منظور از اراده و خواست رسول خدا، مصلحت عمومی است و اختیار پیامبر به منزلهٔ حاکم اسلامی بر سلب حقوق فردی در شرایط خاص یکی از نتایج این تفسیر است.	۱٦ ۱ ۸ ۹ ۱۱ ۱۲

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کدگذاری محوری و انتخابی: در این مرحله از تحلیل داده‌ها، فرایند احصای ارتباطِ مقوله‌های اصلی به زیرمقوله‌ها و در ادامه، شناسایی و تبیین ابعاد اصلی انجام شد. کدهای محوری شامل ۱۱ کد است که در جدول ۳، کدهای باز، محوری و انتخابی پژوهش، آورده شده است. یافته‌های پژوهش در ۲ کد انتخابی، با عنوان قاعده «ضرورت» و «عدالت» دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۳: کدهای باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
قاعدهٔ عدالت	حفظ حقوق مأمور و توجه همزمان به حقوق افراد و جامعه	عدم حمایت همه جانبه از مأمور به‌کارگیرندهٔ سلاح در مأموریت‌ها
		مهم نبودن اهمیت جان مأمور نسبت به مردم در قضاوت‌ها
		لزوم حمایت مادی و معنوی از جان و مال و حیثیت مأمور پس از به‌کارگیری سلاح
	لزوم تحذیر قبل از به‌کارگیری سلاح	استفاده از وسایل هشدار دهنده به مردم در مورد به‌کارگیری سلاح
		لزوم هشداردهی لسانی و به‌کارگیری وسایل هشداردهنده
		لزوم هشداردهی از طریق وسایل در اختیار مانند تیراندازی هوایی
	لزوم رعایت تناسب در به‌کارگیری تجهیزات	ابهام و عدم شناخت موقعیت‌های به‌کارگیری از سلاح توسط مأموران
		ابهام در قوانین و متناسب نبودن برخی از موارد مجاز به‌کارگیری سلاح در قانون به‌کارگیری مانند استفاده از سلاح در همه موارد سرقت (مسلحانه و یا سرقت‌های خرد)
	عدم به‌کارگیری سلاح در مواقع غیرضرور	ابهام در مصادیق لازم به‌کارگیری سلاح توسط مأموران
		مشخص نبودن و عدم شناخت قضات و مسولان نظارتی از شرایط حاکم بر وضعیت‌های عملیاتی و صفی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

	لزوم رعایت تناسب	توجه به مراتب امر به معروف و نهی از منکر و لزوم اصلاح قانون در جهت حفظ کرامت انسان و امنیّت جامعه
		به‌کارگیری سلاح به‌عنوان آخرین چاره و توجیه استفاده در راستای کرامت افراد
	فقدان وحدت رویه در تفاسیر قانونی	تفسیر نامناسب مواد قانونی توسط مقامات قضایی و تشتت آرا
		وجود برداشت‌های متفاوت در مواضع مختلف و لزوم رویه سازی واحد
قاعدهٔ ضرورت	قاعده دفع افسد به فاسد و اهم فی الاهم و اضطرار و اکراه	توجه به مراتب دفع افسد به فاسد و توجه به اهمیت و اولویت منافع لازم التحصیل و موضوعیت نداشتن سوءنیّت پلیس در کاربرد سلاح
		به‌کارگیری سلاح در مواردی که چاره‌ای جز به‌کارگیری سلاح وجود ندارد
	احتیاط در دماء افراد بی گناه	لزوم توجه کافی به آسیب نرساندن به افراد و اصل حداقل آسیب
		توجه کافی به حفظ جان و مال و ناموس افراد بیگناه در به‌کارگیری سلاح
	قاعدهٔ دفاع مشروع قاعده اقدام	فرد مهاجم در حقیقت علیه خود اقدام می‌نماید
		رعایت شرایط موجود در دفاع مشروع برای خود و دیگران و توجه به استفاده حداقلی از سلاح
	احتیاط در به‌کارگیری سلاح توسط مأمور صالح	لزوم احراز شرایط مأموران مسلح مطابق ماده ۲ قانون به‌کارگیری سلاح
		لزوم وجود شرایط لازم جسمی و روحی مناسب در مأمور به‌کارگیرنده سلاح
	احتیاط در دماء نسبت به شهروندان	همراه داشتن سلاح توسط پلیس در بیشتر مأموریت‌ها و توجه به حفاظت از جان تمامی مردم
		توجه به حفظ جان شهروندان بی‌گناه و غیردخیل در موضوع و همچنین توجه به ایجاد کم‌ترین آسیب به متهم و سایر افراد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با تعمّق در نتایج حاصل از مصاحبه با گروه خبرگی و نظر به وضعیت فعلی سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی کشور درخصوص به‌کارگیری سلاح ازسوی مأموران پلیس، می‌توان چنین استنباط نمود که پلیس با توجه به جنبه فوری و لحظه‌ای مأموریت‌ها، در به‌کارگیری سلاح به‌خصوص در صحنه عمل و اجرا دچار ابهامات متعددی می‌شود. ازجمله مصادیق مهم ابهامات یاد شده می‌توان به این موارد اشاره نمود:

– ابهام و عدم شناخت موقعیت‌های به‌کارگیری سلاح: که اغلب ناشی از متناسب نبودن برخی از موارد مجاز به‌کارگیری سلاح در بندهای ده‌گانهٔ مادهٔ ۳ است. مانند اجازه استفاده از سلاح در همه موارد سرقت وجود دارد؟ (مسلحانه یا سرقت‌های خرد).

– ابهام در شناخت دقیق و فوری مراتب دفع افسد به فاسد: بیشتر مأموران پلیس در درک اهمیت و اولویت منافع لازم التحصیل دچار تردید می‌شوند؛ چراکه در هر حال آنها می‌باید چاره‌ای جز به‌کارگیری سلاح وجود نداشته و حفظ جان و مال و ناموس افراد بی‌گناه را در راستای حفظ کرامت انسان‌ها و احتیاط در دماء، سرلوحه تصمیم خود قرار دهند.

– ابهام و تردید و هراس از به‌کارگیری سلاح: به خاطر اعتماد نداشتن نظام قضایی به پلیس و مبرّی نبودن وی از مسئولیت کیفری و مدنی، در بعضی موارد، مشاهده می‌شود که مأمور پلیس باید از سلاح استفاده می‌نموده، لیکن به دلیل هراسِ یادشده از انجام وظیفه امتناع ورزیده و باعث خسارت‌های غیر قابل جبران مادی و معنوی شده‌اند.

– ابهام در تشخیص اقتضای شرایط و ترتیب و توالی به‌کارگیری سلاح: مطابق قانون یادشده، پلیس پس از احراز شرایط مأموریتی برای به‌کارگیری سلاح، می‌باید (درصورت اقتضای شرایط) ترتیب و توالی به‌کارگیری سلاح را رعایت نماید. حال آنکه تشخیص به موقع و سریع این موضوع، خود باعث ابهام و تردید و هدر رفتن فرصت می‌شود.

علی‌ای‌حال، پس از استخراج مفاهیم و مضامین پایه‌ای، محوری و سازمان‌دهنده، نتایج در گروه نخبگی به بحث و تبادل نظر استادان قرار گرفت که اساس یافته‌های پژوهش که منتج از کدگذاری و تحلیل کیفی داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با جامعه نخبگانی بود؛ به این مطلب تاکید شد که قانون فعلی به‌کارگیری سلاح از حیث شکلی و ماهوی دارای ابهامات و اجمالات فراوانی است و از آن جهت که

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سیاستگذاری تقنینی با سیاستگذاری اجرایی دارای تفاوت‌هایی فاحش است و مصادیق فراوانی که در اجرای قوانین متضمن به‌کارگیری تاکتیک‌هایی منطبق با شرایط حادث شده است؛ لذا تعارضات و تزاحمات به وجود آمده را به‌منظور شفاف‌سازی، باید به نحوی منطقی و مبنایی و با استفاده از اصول رافع تزاحم مرتفع نمود که در آموزه‌های فقهی مورد بحث واقع شده‌اند. از مهم‌ترین اصول قابل توجه اصل دفع «افسد به فاسد» یا قاعدهٔ «اهم فی الاهم» با توجه به قواعدی کلی مانند «احتیاط در دماء»، قاعده «امر به معروف و نهی از منکر» با رعایت تناسب و اولویت و «قاعده تحذیر» و «قاعده کرامت» است که بنا بر مضامین مستخرج از مصاحبه‌های انجام شده همگی قابل بحث در ذیل قاعده ضرورت و عدالت به صورت تجمیعی هستند. در حقوق بین‌الملل نیز از بررسی و جمع‌بندی کلیه اصول لازم الرعایه در قوانین کشورهای مختلف، دو اصل «ضرورت» و «تناسب» مورد وفاق جامعه بین‌الملل قرار گرفته که قابل تطبیق با اصول مستخرج از بررسی فقهیِ موضوع بوده و از این حیث قابل تأیید است. ازآنجاکه این قواعد به نوعی خروج از اصول اولیه پذیرفته شده است؛ لذا کنشگران اجرایی در این خصوص موظف به تحمل بار اثبات خواهند بود. بدیهی است که درصورت اثبات، مسئولیت کیفری و مدنی فرد استفاده‌کننده از این نهادها ساقط می‌شود، ولیکن آنچه اهمیت دارد اولاً رعایت موازین شکلی و ثانیاً رعایت موازین ماهوی و توجه به استفاده حداقلی و کمینه از زور، برای دفع خطر و توجیه‌پذیر بودن مبتنی بر معیارهای عینی و نه ذهنی و اجتناب‌ناپذیر بودن این استفاده بر همه صور استفاده از زور و سلاح است. از نظر گروه نخبگی رعایت دقیق و همه جانبه قاعده فقهی «ضرورت» و «عدالت» پوشش‌دهندهٔ کلیه جوانب شکلی و ماهوی استفاده از زور و سلاح خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران حفظ نظم و امنیّت در اجتماع را به‌طورمستقیم بر عهده فرماندهی انتظامی قرار داده است؛ لیکن تنوع بسیار زیاد مأموریت‌های پلیس برای برقراری نظم و امنیّت عمومی، مأموران را در شرایط پیش‌بینی‌نشده، قرار می‌دهد. همچنین فوریت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و ماهیت مأموریت‌های نهاد انتظامی کشور، امکان تفکر و تحلیل در لحظهٔ انجام وظیفه را به‌شدت پایین آورده و به‌تبع آن خطاپذیری، وقوع حوادث زیان‌بار و تقصیر در انجام وظایف این نیرو را امری محتمل ساخته که بعضاً اسباب تحقق مسئولیت‌های مختلف را فراهم ساخته و تقصیرات شخصی، اداری و حرفه‌ای کارکنان و سازمان، باعث ایراد خسارت به اشخاص حقیقی و حقوقی می‌شود. وجود تنگناهای یادشده در اجرای مأموریت‌های پلیسی به‌همراه استفاده غیرقانونی از ابزار زور و خشونت همانند کاربرد سلاح، منجر به مخاطره افتادن جان مردم خواهد شد؛ لذا اصل لزوم جبران خسارت و عدالت حقوقی اقتضا می‌کند که فرماندهی انتظامی نیز مانند اشخاص حقیقی، مسئول و پاسخگوی تعهدات و وظایف قانونی و قراردادی خود باشد. این موضوع نباید به بی اعتمادی به پلیس، دلسردی وی و ناکارآمدی قانون به‌کارگیری سلاح منجر شود؛ به عبارت بهتر چون پلیس در انجام مأموریت‌های انتظامی، نفع شخصی ندارد، منطقی نیست که بیش‌ازاندازه او را محدود کرد، زیرا پلیس، اغلب، در تأمین نظم و استقرار امنیّت، ناگزیر از توسل به رویکردهای اقتدارگرایانه و مبتنی بر قدرت مشروع و قانونی در راستای برقراری نظم و امنیّت اجتماعی است. به‌خصوص وقتی طرف مقابل پلیس، افراد قانون‌گریز و یا شبکه‌ها و باندهای مافیایی و مخوف تبهکاری باشند. درعین‌حال، پلیس می‌باید هنگام مواجهه با موارد یاد شده، مصالح اجتماع و حفظ جان آحاد مردم بی‌گناه را به‌طور جدی مدّنظر قرار داده و توجه نماید که بنا به اصل لزوم جبران خسارات و قاعده «لا یبطل الدم امء المسلم» خون هیچ فرد مسلمانی هدر نخواهد رفت. این مطلب، به قاعده احتیاط در دماء و وجوب حفظ کرامت انسان مرتبط است که مصداق و نمود بارز قاعده یاد شده در قانون به‌کارگیری سلاح، لزوم رعایت ترتیب و توالی تیراندازی (در صورت امکان) است. با این وصف، تنها در مواردی مأموران پلیس از مسئولیت کیفری سنگین که به تبع تیراندازی در معرض آن قرار گرفته‌اند، رهایی پیدا می‌کنند که ثابت کنند تیراندازی آنان در چارچوب قانون به‌کارگیری سلاح صورت گرفته؛ لیکن معمولاً اثبات این ادعا کار دشواری است، زیرا قانونگذار به دلیل حساسیت موضوع و دفاع از حقوق شهروندی، شرایط بسیار سختی را برای قانونی محسوب شدن تیراندازی تعیین کرده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بررسی دقیق علمی و کاربردی قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران مسلح مصوب ۱۳۷۳، حکایت از آن دارد که این قانون با تعجیل و شتابزدگی و بدون استفاده از نظرات کارشناسان تصویب شده و دارای ابهامات فراوانی است، به طوری که قانون را ناکارآمد کرده و تا به حال نتوانسته به طور کامل اهداف عدالت کیفری را فراهم نماید، لذا ابهام‌زدایی و شفاف‌سازی آن امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

در پژوهش حاضر، کدگذاری اولیه، محوری و انتخابی بر اساس مصاحبه با خبرگان دانشگاهی انجام شد و در نهایت، ۲۴ کد اولیه، ۱۱ کد محوری شامل «حفظ حقوق مأمور و توجه همزمان به حقوق افراد و جامعه»، «لزوم تحذیر قبل از به‌کارگیری سلاح»، «لزوم رعایت تناسب در به‌کارگیری تجهیزات»، «عدم به‌کارگیری سلاح در مواقع غیر ضروری»، «لزوم صلاحیت مأمور»، «عدم وجود وحدت رویه در تفاسیر قانونی»، «قاعده دفع افسد به فاسد و اهم فی الاهم و اضطرار و اکراه»، «احتیاط در دماء نسبت به افراد بی گناه»، «قاعده دفاع مشروع»، «قاعده اقدام»، «احتیاط در دماء نسبت به شهروندان» و ۲ کد انتخابی شامل «قاعده ضرورت» و «قاعده عدالت» به دست آمد. به‌طور کلی می‌توان گفت نتایج پژوهش حاضر، با نتایج مطالعات مشابه، همانند پژوهش فاضلی و کریمی (۱۴۰۰) و پژوهش محمدی (۱۴۰۰)؛ از این جهت که به ابهامات قانون به‌کارگیری سلاح پرداخته بودند؛ پژوهش میرزایی (۱۴۰۱)، که به نهاد «ضرورت» به‌عنوان عامل مهم رفع تزاحم و حلقه مفقود و مغفول در ایجاد تقریب میان سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی تقنینی پرداخت و پژوهش فروغی، صادقی، اخوان کاظمی و میرزایی (۱۳۹۷)، که به ظرفیت‌های فراوان عنصر «کرامت انسانی» و «عدالت» به‌عنوان رهنمود رفع تزاحم و ایجاد تعادل تلقی پرداخت، هماهنگی و انطباق دارد.

شایان ذکر است که بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها، به جامع و کامل نبودن و عدم شفافیت قانون به‌کارگیری سلاح که به اختلاف نظر در تفسیر قانون علیه مأموران تیراندازِ پلیس، از سوی قضات منجر شده، پرداخته است و با بیان کاستی‌ها و محاسن این قانون، پیشنهادهایی را ارائه نمودند. این در حالی است که پلیس گاهی ممکن است در انجام وظایف محول، موجبات وقوع حوادث زیان‌بار و ایراد خسارت به اشخاص حقیقی و حقوقی و در نتیجه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سبب تحقق مسئولیت کیفری یا مدنی را فراهم آورد که باید خسارت و زیان وارده اعم از مادی و معنوی جبران شود. حال چطور می‌توان با بهره‌گیری از این قانونِ غیرکاربردی، تحقق عدالت را تضمین کرد. یکی دیگر از نتایج پژوهش حاضر را نیز می‌توان مبتنی بر تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با جامعه آماری این‌گونه بیان نمود که از نظر یادشدگان بیشترین اصول و قواعد فقهی که می‌توان مبتنی بر آنها در حل تعارض و تزاحم میان حقوق فردی و امنیّت جامعه در قانون به‌کارگیری سلاح اقدام نمود، قواعد فقهی «ضرورت» و «عدالت» است که بیشترین تکرار را در دیدگاه‌های مصاحبه‌شونده‌ها داشته است.

به نظر نگارندگان، در قانون به‌کارگیری سلاح، می‌توان گفت تمامی محدودیت‌ها و شرایطی که برای کاربرد سلاح توسط مأموران بیان شده، منطبق بر اصل حفظ کرامت، شخصیت و حیثیت انسان است. عقل و منطق نیز اذعان می‌دارد که نباید به افراد، حتی متهمان و مجرمان، بدون رعایت شرایط قانونی، تیراندازی کرد و جان آنها را به خطر انداخت. به طور کلی می‌توان اذعان نمود که با توجه به استثنایی بودن و ثانویه بودن استفاده از زور در قوانین بین المللی و مقررات داخلی، استفاده حداقلی و کمینه از زور برای دفع خطر و توجیه پذیربودن مبتنی بر معیارهای عینی و نه ذهنی از حیث اثباتی و اجتناب‌ناپذیربودن این استفاده بر همه صور استفاده از زور و سلاح حاکم است.

با توجه به هدف اصلی پژوهش که شناسایی و تبیین قواعد فقهی ناظر بر قانون به‌کارگیری سلاح و کاربرد این قواعد در رفع تزاحم میان حقوق شهروندی و امنیّت اجتماعی بود، پیشنهادهایی به شرح ذیل جهت کمک به حل مسائل مطرح شده در این مقاله، ارائه می‌شود:

– بر اساس مطالب گفته شده پیشنهاد می‌شود که سیاستگذاران تقنینی، قضایی و اجرایی به ظرفیت‌ها و آموزه‌های فقهی که ابتنای قوانین مدوّن موجود در جمهوری اسلامی است و به‌خصوص به نهاد ضرورت بیش‌ازپیش توجه نموده و به آن به‌عنوان نهادی تزاحم زدا در اجرا نگریسته و تا حد امکان با گفتمان‌سازی ضرورت و ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی برای تعمیم مفهوم عملیاتی ضرورت، آن را در عمل عینیت بخشیده تا از

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

این طریق ضمن تسهیل امور مربوط به تیراندازی‌های پلیسی، ابهامات حقوقی در فرایند قضایی به حداقل برساند.

– تبیین مصادیق مختلف به‌کارگیری زور با توجه به کلی و عمومی‌بودن قواعد از یک سو و تنوع مصادیق با توجه به گستردگی و پیچیدگی مأموریت‌های پلیس مستلزم احصای حداکثری مصادیق است که معاونت حقوقی و امور مجلس و دولت فراجا، می‌تواند با بهره‌گیری از تجارب و پرونده‌های موجود تیراندازی مأموران، به‌صورت هدفمند و منسجم در این خصوص اقدام نموده و در راستای تعمیم آموزش همگانی مردم و تخصصی مأموران اقدام نماید.

– علاوه بر تدریس قانون به‌کارگیری سلاح، به کارکنان دانشجویانِ پلیس، آموزش اصول و قواعد فقهی کاربردی در این زمینه نیز در سرفصل‌های مربوطه گنجانده و از ظرفیت‌های علمی و فقهی استادان حوزهٔ معارف اسلامی استفاده شود.

– با توجه به اینکه استفاده از زور و سلاح خروج از اصل اولیه از لحاظ فقهی و اصولی محسوب می‌شود و این خروج مستلزم وجود دلایل متقن است، لذا استفاده حداقلی به‌عنوان آخرین راه چاره نیز باید مورد توجه بوده و یکی از مقدمات این مهم استفاده از سایر سلاح‌های غیرکشنده در مأموریت‌هاست که نیازمند برنامه‌ریزی مدوّن در حوزهٔ سخت‌افزاری و توجه معاونت طرح و برنامه و آماد فراجا است.

سپاسگزاری

نگارندگان مقالهٔ حاضر، از کلیه افرادی که در انجام این پژوهش یاری‌رسان بوده‌اند، به‌ویژه روحانیون منتخب، اعضای هیئت علمی دانشگاه امین، مدیران کل حقوقی فراجا و همچنین از تمامی دست‌اندرکاران نشریه، کمال تقدیر و تشکر را دارد.

منابع

منابع فارسی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- اسدی، حسن، و کاکویی، مهری (۱۳۹۷). تبیین وظایف پلیس از دیدگاه فقهی. *فصلنامهٔ پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۲۰(۳)، ۱۰۶–۱۰۹. قابل بازیابی از: http://pok.jrl.police.ir/article_18941

- افراسیابی، علی (۱۳۹۴). اختیارات قانونی پلیس در کاربرد سلاح گرم (مطالعه سیاست جنایی ایران و انگلستان). *نشریهٔ آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۲(۹)، ۱۹۹-۲۲۴. قابل بازیابی از: https://cld.razavi.ac.ir/article_680.html

- ایوبی یزدی احمدی، سعید، منصوری، سید مهدی، و رحمت، محمدرضا (۱۴۰۰). روابط حق امنیّت و آزادی در اسلام و آیین دادرسی کیفری. *فصلنامهٔ فقه جزای تطبیقی*، ۱(۳)، ۵۷-۶۹. قابل بازیابی از: https://www.jccj.ir/article_148205.html

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.

- چهکندی نژاد، علی (۱۴۰۰). تقریرات درس قواعد فقه جزایی. دورهٔ دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *فرهنگ لغت فارسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- عزتی، محمدعلی، سایبانی، علی‌رضا، و ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۸). ضابطان در آینهٔ الزامات حقوق بشری و تربیتی اسلام؛ اروپا و ایران (با تکیه بر رعایت حقوق متهمان تحت نظر). *نشریهٔ پژوهش‌های دانش انتظامی*، سال بیست و یکم، ۱۷۸–۱۸۶. قابل بازیابی از: http://pok.jrl.police.ir/article_20137

- فاضلی، علی، و کریمی، نعیمه (تابستان ۱۴۰۰). تحلیل و بررسی مواد ۳ و ۶ قانون به‌کارگیری سلاح و ابهامات ناشی از آن. *فصلنامهٔ علمی دانش انتظامی هرمزگان*، ۱۱(۲)، ۳۷ – ۶۲.

- فروغی، فضل الله، صادقی، محمدهادی، اخوان کاظمی، بهرام، و میرزایی، محمد. (۱۳۹۷). کرامت‌مداری، رهنمود تعادل بخش میان امنیّت و آزادی، در گفتمان سیاست جنایی. *نشریهٔ آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۲(۱۵)، ۴۵-۶۲.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فروغی، فضل الله، و میرزایی، محمد (۱۳۹۶). رهنمودها و اصول توازن‌بخش بین مصالح فردی و مصالح امنیّتی با تأکید بر نقش پلیس. *فصلنامهٔ پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۳(۱)، ۱۸۲-۱۵۷. قابل بازیابی از: http://icra.jrl.police.ir/article_18837

– قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸.

– قانون به‌کارگیری سلاح در موارد ضروری توسط مأموران مسلح مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸.

– قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹.

– قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

– کاشف الغطاء، علی (۱۴۲۲ ق)، النور الساطع فی الفقه النافع، جلد دوم. نجف: مطبعه الآداب.

– محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۸). قواعد فقه. جلد ۴. تهران: انتشارات مجد.

– محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۹). *موازین قانونی به‌کارگیری سلاح*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین، چاپ دوم.

– محمدی، بهنام (بهار ۱۴۰۰). تحلیل و ارزیابی قانونی تیراندازی‌های پلیس. *نشریهٔ نظم و امنّیت انتظامی*، ۱۲(۳۸)، ۷۶-۹۳. قابل بازیابی از: http://pok.jrl.police.ir/article_20137

– مستعلی، فاطمه (۱۳۹۵). *بررسی مسئولیت مدنی پلیس در تیراندازی*. پایان‌نامهٔ مقطع کارشناسی ارشد رشتهٔ حقوق خصوصی دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

– معین، محمد (۱۳۷۲). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

– میرزایی، محمد (۱۳۹۷). *مناسبات امنّیت و آزادی در گفتمان سیاست جنایی*. رسالهٔ مقطع دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

– میرزایی، محمد (۱۴۰۱). جایگاه و نقش ضرورت در تزاحم‌زدایی سیاست‌های اجرایی پلیس. *فصلنامهٔ پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۲۴(۲)، ۲۵۲-۲۲۱. قابل بازیابی از: http://pok.jrl.police.ir/article_98807

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- نادهی، حمیدرضا (۱۳۹۴). چالش‌های قانون به‌کارگیری سلاح با نگاهی به رویه قضایی. پایان‌نامهٔ مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق، دانشکدهٔ علوم اداری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

- نجفی توانا، علی، و حسینی، سیدرضا (۱۳۹۳). رویکرد سیاست جنایی تقنینی در قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳. *فصلنامهٔ کارآگاه*، ۸(۲۹)، ۱۳۳-۱۴۷. قابل بازیابی از: http://det.jrl.police.ir/article_10660

منابع لاتین

- Weisburd, David, Jerome McElroy, and Patricia Hardyman (2018). Challenges to supervision in community policing: Observations on a pilot project, American Journal of Police 7 (2): 29-50. https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0002716203262548

- Casey, M. Connolly., S. (2019). Police use of force under international law. Thirth published. Cambridge University Press.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

The function of the jurisprudential rules in the ambiguity of the use of force by armed agents
(Case Study: The Law on Applying Weapon 1373)

Mohammad Mirzaei, Ali Chekandi Nejad, Hamid Reza Mohammadzadeh Mahna

Abstract

Background and purpose: The use of force to establish order and security using weapons at the beginning is a fundamental conflict between the guarantee of the individual rights of individuals and the rights of the community. Unfortunately, the way out of this conflict in the laws of the subject matter, especially the law of weapons, has not been well explained, and in terms of content in implementation, the executive has always been briefly and ambiguous. Given the influence of the laws of the subject of jurisprudence and the possibility of disobeying the rules by referring to the principles and jurisprudential rules, these teachings can be taken into consideration in order to eliminate ambiguity and transparency.

Research Method: The present research method is an interpretation with a qualitative approach that the research data is compiled through a semi -structural interview. Research participants, including three groups of university faculty members, level 4 clergymen, and general legal executives, were 42, which continued with targeted sampling, until theoretical saturation, and finally with 16 interviews. And content analysis was used to analyze the data. Research validity based on the three indicators of "reliability", "transmission" and "verification", in the interpretation and analysis of the findings and reliability of the research, the intra -subject agreement index was used in the encoding of two sample interviews and the index is 78 % It was accepted.

Research Findings: Based on the findings of the study, which consisted of 24 basic themes that were organized in the form of 11 organizing themes and 2 comprehensive themes of "necessity" and "justice" in the form of jurisprudential rules.

Conclusion: The results of the study indicate that among the many jurisprudential rules that exist in the religion of Islam, the rules of necessity and justice have the most important place in the use of weapons law, which is the most prominent manifestation of our country's criminal policy on the issue. The international principles governing the use of force by police. Therefore, police officers must always consider the provisions and principles of the aforementioned jurisprudential rules while fully dominating the laws of weapons.

Keywords: force, jurisprudential rule of justice, jurisprudential rule of necessity, weapon use.

Archive of SID.ir